

Social Functions of Religion from the Perspective of Imamis

Amir Chehri^{*}

Mostafa Soltani^{**}

(Received on: 2020-05-03; Accepted on: 2020-12-21)

Abstract

In today's world, there are many doubts and questions about religion, and raising the issue of the inefficiency of religion in society is the purpose of some of these discussions. Explaining the social functions of religion is a response to the above doubts. Imami theologians have long tried to dispel these doubts and prove the social functions of religion by stating the benefits of the advent of prophets and the effects of religion on human life.

The present research, using a library study method, seeks to address the question: What are the social functions of religion from the perspective of the Imamis? Early theologians of the Imamiyyah, while discussing the benefits of the advent of prophets or the effects of faith, have generally answered the question, but contemporary Imami theologians, by expressing the functions of various sciences such as psychology, sociology, etc. for human social life, have enumerated examples of social functions for man. After examining the examples and proofs in Imami sources, it can be said that this group of thinkers believe in the maximum function of religion in human society.

Keywords: Religion, Function, Society, Intellect, Imamate, Benefits of Advent.

* PhD Student in Theological Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), amirchehri@yahoo.com.

** Assistant Professor, Department of Theological Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, soltani@urd.ac.ir.

پژوهش‌نامه امامیه

«مقاله پژوهشی»

سال هفتم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۲۴۷-۲۷۲

کارکردهای اجتماعی دین از منظر امامیه

امیر چهری*

مصطفی سلطانی**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱]

چکیده

در جهان امروز شبهات و پرسش‌های متعددی درباره دین مطرح می‌شود؛ مطرح کردن شبهه ناکارآمدی دین در جامعه، هدف بخشی از این مباحث است. تبیین کارکردهای اجتماعی دین پاسخی به شبهات فوق خواهد بود. متکلمان امامی از دیرباز با بیان فواید بعثت و آثار دین در زندگی بشر، در دفع این دسته از شبهات و اثبات کارکردهای اجتماعی دین کوشیده‌اند. تحقیق پیش رو با بهره‌گیری از مطالعه کتاب‌خانه‌ای به دنبال دست‌یابی به این پرسش است که: کارکردهای اجتماعی دین از منظر امامیه چیست؟ متکلمان متقدم از امامیه در بحث فواید بعثت انبیا یا آثار ایمان به صورت کلی به پاسخ این شبهه پرداخته‌اند، اما متکلمان معاصر از امامیه با مطرح کردن کارکردهای علوم گوناگون مثل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ... برای زندگی اجتماعی بشر، مصادیق کارکردهای اجتماعی دین را برای انسان برشمرده‌اند. بعد از بررسی مصادیق و ادله در منابع امامیه می‌توان گفت این دسته از اندیشمندان به کارکرد حداکثری دین در جامعه بشری معتقدند.

کلیدواژه‌ها: دین، کارکرد، جامعه، عقل، امامیه، فواید بعثت.

✳️ دانشجوی دکتری مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ایران (نویسنده مسئول) amirchehri@yahoo.com

✳️ استادیار گروه مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران soltani@urd.ac.ir

مقدمه

ماهیت اجتماعی دین و کارکردهای آن در جامعه از جمله دغدغه‌های مراکز دین‌پژوهی جهان معاصر است. وجود نگرش و رویکردهای متفاوت در این موضوع بستر شکل‌گیری دیدگاه‌های مختلفی در موضوع کارکردگرایی و کارآمدی دین در جامعه را فراهم کرده است. به اندازه‌ای که اختلاف در دیدگاه‌ها را به‌وضوح مشخص می‌کند. ادیان و فرق اسلامی نظریات و دیدگاه‌های متفاوتی در موضوع کارکرد دین در جامعه دارند. در بین این دیدگاه‌ها اعتقاد به کارآمدی دین در جامعه انسانی از اعتقادات شیعیان امامیه است و امامیان برای اثبات ادعای خود، ادله عقلی و نقلی اقامه کرده‌اند. اما در بین متفکران، همچنان این پرسش بسیار مهم مطرح است که: آیا دین پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی بشر هست یا خیر؟ یا به تعبیر خسروپناه: «آیا دین در این نیازهای بشر بی‌بديل است یا بديل‌پذیر است؟» (خسروپناه، ۱۳۷۹: ۲۷).

موضوع کارکرد دین از زمان‌های دور در بین اندیشمندان، خصوصاً متکلمان و فلاسفه، مطرح بوده است. امروزه این بحث در زمره کلام جدید یا مسائل جدید کلامی بررسی می‌شود. «بحث کارکرد دین بین متکلمان متقدم امامی نیز رایج بود. متقدمان در آثار خود با تعبیری مانند: فواید بعثت، آثار ایمان و دین، و ... سخن می‌گفتند؛ اما در دو سده اخیر با طرح بحث جایگزین و طرح کارکردهای علوم گوناگون مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و الاهیات نوین ... بر کارکردهای دین به صورت بديل و رقیب دین مطرح شد و دین‌پژوهان با نگاهی جدید موضوع را تحلیل می‌کنند» (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲: ۱۶۱).

۱. مفهوم‌شناسی

الف. کارکرد؛ کلمه «کارکرد» معادل function در زبان انگلیسی است که در لغت به معنای عمل و کارکردن آمده (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۶۹/۱۲) و در ترجمه به معنای عملکرد به کار رفته است (خداپرستی، ۱۳۷۶: ۲۳۳، ذیل واژه «کارکرد»). ولی واژه «کارکرد» در اصطلاح عام «به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام‌مند انجام می‌گیرد» (ریترز، ۱۳۸۲: ۱۳۱). در اصطلاح جامعه‌شناسی، وقتی «کارکرد» به دین نسبت داده می‌شود، مقصود «معنای عام آن است که شامل خدمات، سرانجام و هدف، آثار و تبعات پنهان و آشکار، مقصود و غیرمقصود دین به جامعه می‌شود که قوام، بقا و تعادل آن را در پی دارد» (اسکیدمور، ۱۳۹۲: ۱۴۲).

ب. جامعه؛ در فرهنگ لغت فارسی از ریشه کلمه‌ای عربی گرفته شده است. «جامعه» در لغت، گروه مردم یک شهر، کشور، جهان یا صنفی از مردم مانند جامعه بشری، جامعه سیاه‌پوستان، یا جامعه هنری است (معین، ۱۳۸۶: ۱۲۰۸/۱) و در اصطلاح «جامعه انسانی مجموعه‌ای است از انسان‌ها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند» (مطهری، ۱۳۸۴: ۳۳۲/۲).

ج. دین؛ لغت‌شناسان با عنایت به اینکه «دین» کلمه‌ای عربی است، گفته‌اند: «دین به کسر اول به معنای جزا و طاعت؛ این دو معنا از جمله معنای دین است» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۸۷/۳؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۳۷۹/۲؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲۵۱/۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۲۳). طباطبایی در تعریف اصطلاحی «دین» می‌گوید: «دین عبارت است از مجموع اعتقادات درباره حقیقت انسان و جهان و مقررات متناسب با آن که در مسیر زندگی مورد عمل قرار می‌گیرد» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۴۵).

د. عقل؛ اصل ماده «عقل» در لغت به معنای «بازداشتن، نهی، منع، امساک، حبس، جلوگیری» است و همه مشتقات آن، به این معنای اصلی باز می‌گردد (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۲۱۳۹/۵؛ جوهری، ۱۴۰۴: ۱۷۶۹/۵؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۴۲۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۷؛ جرجانی، ۱۳۷۰: ۶۵). به این مناسبت، ادراکی که انسان بر آن دل می‌بندد و چیزی را با آن درک می‌کند «عقل» نامیده می‌شود. واژه «عقل» در قرآن نیامده اما کلمات مترادفی چون «تفکر» و «تدبّر»، صدها بار در قرآن کریم آمده است، به حدی که بدترین جنبنندگان را موجوداتی اهل اندیشه معرفی می‌کند (انفال: ۲۲). روایات معتبر نیز عقل را «حجت باطنی» معرفی می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱/۱).

اما معنای اصطلاحی «عقل» متفاوت با معنای لغوی آن است. «عقل» را در اصطلاح «قوه‌ای می‌دانند که انسان را از سایر حیوانات متمایز می‌سازد و انسان با کمک این قوه به استدلال و تفکر می‌پردازد و کارها و امور خوب یا بد، حق یا باطل را از همدیگر جدا نماید، همه انسان‌ها این عقل را دارند؛ ولی در یک سری از انسان‌ها بیشتر و در یک سری کمتر وجود دارد» (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۹۲: ۱۵۶).

ه. امامیه؛ در بین مسلمانان فرقه‌ای به نام «امامیه» وجود دارد. امامیه بزرگ‌ترین شاخه از شیعیانی هستند که به جانشینی بلافصل حضرت علی (علیه‌السلام) معتقدند و این انتصاب را به خدا نسبت می‌دهند. نام دیگر آنان شیعیان دوازده‌امامی یا شیعه اثناعشری است. «شیعه» که در اصل لغت به معنای پیرو است به کسانی گفته می‌شود که جانشینی پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را حق اختصاصی خانواده رسالت می‌دانند و در معارف اسلام پیرو مکتب اهل بیت‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۹). شیعیان امامیه

به زنده بودن امام زمان (عج) معتقدند و اصول اعتقادی‌شان توحید، معاد و نبوت است و اصول مذهب خود را امامت و عدل الهی می‌دانند (شهرستانی، ۱۴۰۴: ۱۸۹/۱).

۲. دیدگاه‌ها درباره کارکرد اجتماعی دین

در بحث کارکرد دین، در میان اندیشمندان علوم انسانی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ ولی در بحث کارکرد اجتماعی دین دو دیدگاه کلی وجود دارد:

الف. نفی کارکرد دین: این طیف از اندیشمندان قائل به نفی کارکرد دین در جامعه هستند، تا جایی که دین را افیون ملت‌ها می‌دانند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۴۵)، هرچند برخی از طرفداران این نظریه قائل به کارکرد حداقلی دین هستند؛ یعنی باور به کارکرد فردی دین برای انسان دارند و آن را در عبادات فردی خلاصه می‌کنند (کدیور، ۱۳۸۳: ۹).

ب. اثبات کارکرد دین: این گروه بعد از بیان دلایل خود و اثبات این ادعا، مصادیق کارکردهای اجتماعی دین را بیان می‌کنند و ثمرات این کارکردها را برمی‌شمرند (نک: جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۳۰-۱۳۶).

اما بین دانشمندان مسلمان دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. اندیشمندان مسلمان به صورت کلی مسئله کارکرد دین در جامعه بشری را ارزیابی و نقد کرده‌اند. از این باب که آیا جامعه دینی، جامعه برخوردار برای انسان‌ها از جهت رفاه عمومی و امنیت اجتماعی است یا جامعه‌ای است که نواقصش به حدی است که رفاه عمومی و امنیت اجتماعی در سطح پایینی است، به صورتی که معایب جامعه دینی بر محاسنش ترجیح دارد؟ آیا جامعه دینی قابلیت درک مناسبات بین‌المللی و تفاهم با آنها را دارد یا موضوع دین مانع کارکرد بین‌المللی جامعه بشری می‌شود و سطح تعامل با ملل دیگر را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد؟ در جامعه دینی میزان رشد علمی تا چه حد متصور و مجاز است؟ آیا جوامع دینی می‌توانند به توانمندی‌های علمی و فناوری، که کشورهای غیردینی دست یافته‌اند، برسند؟

اینها بخشی از پرسش‌ها و موضوعاتی است که بین اندیشمندان مسلمان بحث و بررسی شده و پاسخ‌های متفاوتی نیز به این مسائل داده می‌شود. غالباً در بین مسلمانان، روشنفکران، غرب‌گرایان و نومعتزلیان به فقدان کارکرد اجتماعی برای دین قائل‌اند. تمام همت این عده در بین مسلمانان اثبات کارکردهای فردی دین است (مجتهد شبستری، ۱۳۸۱: ۱۷۱). یکی از مسائلی که این عده نگرش خود را بر اساس آن پایه‌ریزی می‌کنند «مدرنیته» است. آنها معتقدند پاسخ بسیاری از مسائل

مطرح شده در دین با «مدرنیته» داده شده و نوبت به مراجعه به دین نمی‌رسد. زیرا ادیان در این موضوعات ساکت‌اند و کلامی ندارند. نصر حامد ابوزید، از روشنفکران جامعه مسلمانان عرب، معتقد است:

اسلامی که می‌خواهیم آن را بپذیریم، اسلامی است که دربردارنده مدرنیته باشد. در بین اقوام و ملل جهان، اسلامی را که می‌پذیریم اسلامی است که متضمن حقوق بشر باشد نه اسلام سنتی که موضوعات و مسائل قدیمی و بدون فایده‌ای در بر داشته باشد (ابوزید، ۱۹۹۸: ۳).

اما غالب متفکران مسلمان با استناد به منابع اولیه اسلام (قرآن و سنت) کارکردهای اجتماعی را برای دین به اثبات می‌رسانند.

۳. دیدگاه امامیه

اندیشمندان و متفکران شیعه امامیه غالباً به کارکردگرایی دین در جامعه معتقدند و دیدگاه حداکثری درباره کارکرد دین دارند، چه در زمینه فردی و چه در زمینه اجتماعی. در این دیدگاه اهمیت بُعد اجتماعی دین به مراتب بالاتر از بُعد فردی دین است و برای این ادعای خود از ادله نقلی و عقلی استفاده می‌کنند که به برخی از آنها می‌پردازیم.

مفسران و عالمان قرآنی امامیه با تمسک به آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷)، تعبیر «حیات طیب» را برای زندگی پر از نور الاهی در دنیا به کار برده‌اند. طباطبایی می‌گوید در این آیه احتمالاتی بیان شده است، مانند حیات اخروی یا حیات برزخی (که علمای اهل سنت گفته‌اند). منظور از «حیات طیب» تغییر در روش زندگی است نه حیات جدید دیگر. به تعبیر دیگر، حیات خبیث او تبدیل به حیات طیب می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴۹۱/۱۲-۴۹۳). در فرمایش حضرت علی (علیه السلام) در خطبه همام، که ویژگی‌های مؤمن را برمی‌شمرد، یکی از ویژگی‌های مؤمن را در جامعه خوش‌رویی و نشاط معرفی می‌کند، در حدی که جامعه انسانی آرزومند دیدار او است. فرد مؤمن از عیب‌جویی در جامعه بیزار است، خشم خود را فرو می‌نشانند و بسیار خنده‌رو است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۲۳۰).

اما آنچه در نگاه اولیه دین، از منظر امامیه، به جامعه بشری لحاظ شده تشکیل مدیریتی منسجم برای رفاه عمومی جامعه به نام «حکومت» است که عقل نیز حکم به همین دارد. موسوی خمینی درباره این مسئله می‌گوید: «هر جامعه‌ای از مهم‌ترین امور ضروری‌اش وجود نظام

اجتماعی و حکومتی است که عدالت و امنیت مردم جامعه را تبیین نماید. این احتیاج هم از بدیهیاتی است که نزد محققان و متفکران مسلم است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۷: ۱۷). به نظر موسوی خمینی، پیوند دین و زندگی بشری پیوند عمیقی است که در کلیات و جزئیات است. وی می‌گوید: اسلام، دین سیاست است؛ به تمام شئون که سیاست دارد. این مسئله برای هر کسی که کمترین تدبیر در احکام حکومتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نماید آشکار می‌گردد. هر کسی را که گمان بر این است که دین از سیاست جدا است، نه دین را شناخته و نه اسلام را (موسوی خمینی، ۱۳۸۴: ۲۲۱/۱).

یکی دیگر از ابعاد دین در جامعه بشری توجه به موضوع اقتصاد و معیشت مسلمانان است. مصباح یزدی درباره اقتصاد در جامعه می‌گوید:

جامعه اسلامی باید با برنامه‌ریزی دقیق فعالیت‌های اقتصادی را هماهنگ و متناسب نماید و نگذارد وضع اقتصادی دچار بی‌تعادلی شود. دستگاهی که می‌تواند چنین برنامه‌ریزی مدیریتی داشته باشد همان دستگاه حکومت اسلامی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۱۸۹).

اندیشمندان امامیه معتقدند دین این ظرفیت را دارد که عامل رفع اختلاف در جامعه شود و با تزریق اخلاق و مصادیق اخلاقی در جامعه مانند گذشت، ایثار و ... از مشکلات بکاهد و در جایی هم که بخواید حقی استیفا شود قوای قهریه قضاییه اسلامی ورود کند و حقی را برای صاحب حقی از غاصب حق بستاند. احتیاجات مادی به منظور رشد تعلیم و تعالی انسان‌ها در جامعه ضروری است، اما نکته بسیار مهم این است که ترک موضوعات معنوی و بی‌اعتنایی به آنها نیز در تعلیم و تربیت انسان طریقه صحیحی نیست. لذا باید دستگاهی باشد تا این تنظیمات را در جامعه تقدیر کند (همان: ۱۸۴).

بدین ترتیب امامیه با استناد به کتاب، سنت و عقل حکم به کارکردگرایی دین برای جامعه داده‌اند. به نظر آنها، در سایه دین جامعه می‌تواند به مراتب کمال و موفقیت در دنیا دست یابد. با عنایت به اینکه کارکردهای اجتماعی دین حجم انبوهی را در بر می‌گیرد و نمی‌توانیم به همه آن بپردازیم، در این بخش برخی از مصادیق و کارکردهای اجتماعی دین را بیان و بررسی می‌کنیم.

۳.۱. همبستگی اجتماعی

اتحاد و همدلی در هر جامعه جزء ارکان و اساس زندگی اجتماعی است و از بین رفتن آن موجب زوال جامعه و زندگی اجتماعی انسان است (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷). دین اسلام با تعیین

مقدمه‌ای به نام حیات دنیوی، انسان را برای زندگی جاودانه‌ای به نام زندگی اخروی (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۲۰/۷)^۱ و نیز دعوت به معنویت و اخلاق آماده می‌کند تا انسان‌ها به صورت منسجم و هماهنگ بتوانند در کنار هم زندگی کرده، راه سعادت و موفقیت را به صورت جمعی طی کنند. خدای متعال وعده داده است تا زمانی که این وحدت و همبستگی وجود داشته باشد او نیز همراه این جماعت است (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۷).^۲ اعتقادات دینی، خصوصاً ایمان به مبدأ و معاد، باعث می‌شود ارزش‌های انسانی زنده‌تر شود و نقش مهمی در مهار جامعه و جلوگیری از انحرافات اجتماعی به دنبال داشته باشد. به بیان دیگر، انسان‌ها در جوامع بشری به دو صورت تحت نظارت و ارزیابی قرار می‌گیرند؛ روش اول نظارت حکومت‌ها بر آنها و به عبارتی عوامل بیرونی؛ نوع دوم، نظارت هر فرد کارها و افعال خودش که بسیار پرفایده‌تر و کم‌هزینه‌تر است.

۲.۳. جلوگیری از پوچ‌گرایی و انحرافات فکری

انسان در زندگی اجتماعی اش با مشکلات، تندبادهای و انحرافات بسیار روبه‌رو می‌شود که نوعی سردرگمی و پوچ‌گرایی برای او به دنبال خواهد داشت. این انحرافات فکری باید روشن و قاطع پاسخ داده شود؛ یعنی انسان باید تکیه‌گاهی داشته باشد تا در این تلاطم‌ها و طوفان‌ها به آن تکیه کند. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «دین نیرومندترین تکیه‌گاه انسان است» (آمدی، ۱۳۷۸: ۱۰۹/۱). زیرا اصولاً پرهیز از پوچ‌گرایی و انحرافات فکری، بدون دینداری ممکن نیست. انحرافات فکری غالباً با مسائل غیراخلاقی مرتبط‌اند و اخلاق بدون دین پشتوانه و اعتباری ندارد (شریعتمداری، ۱۳۸۹: ۶۹). فردی که به خدا و روز جزا اعتقاد ندارد چرا باید روی منافع شخصی اش پا بگذارد و از ارتکاب جرم و انحراف پرهیزد؟ از همین‌رو چیزی به جز دین نمی‌تواند به صورت اساسی پای‌بندی به اخلاق و پرهیز از پوچ‌گرایی و انحرافات فکری را ایجاد کند:

دینداری در جلوگیری از انحرافات جنسی نیز تأثیر دارد. زیرا انسان متدین با خودداری از محرمت، مجبور نیست برای برطرف‌ساختن نیازهای مصنوعی خود، فعالیت جنسی نامشروع داشته باشد و تنها به نیاز جنسی واقعی خود، آن هم از راه مشروع بسنده می‌کند. اما افراد غیرمذهبی که به پرهیز از تحریکات ممنوع پای‌بندی ندارند، ممکن است نیاز بیشتری به فعالیت جنسی در خود احساس کنند. از این‌رو مرتکب روابط نامشروع می‌شوند (اکبری، ۱۳۸۹: ۳۲).

انسان‌هایی که دچار انحرافات فکری می‌شوند دچار سردرگمی خاصی می‌شوند که در نهایت

اغلب به خودکشی می‌انجامد. اگرچه بسیاری از این اقدامات منتج به نتیجه نمی‌شود ولی تحقیقات در جوامع غربی پیام بسیار مهمی دارد و آن اینکه خودکشی در افراد دیندار کمتر به وقوع می‌پیوندد. نتیجه یکی از تحقیقات چنین است: «میزان خودکشی در افرادی که در هفته یک بار به کلیسا می‌روند ۱۱ نفر و برای کسانی که کمتر از یک بار در هفته به کلیسا می‌روند ۲۹ نفر است» (آذربایجانی، ۱۳۹۴: ۱۶۹). طباطبایی معتقد است:

اگر امتی از امت‌ها از راه فطرت منحرف گردید و در نتیجه از راه سعادت و انسانیت که خداوند برایش مقرر کرده، بازماند، اسباب طبیعی‌ای هم که محیط به آن است و مربوط به او است، اختلاف یافته و آثار سوء این اختلاف به خود آن امت برمی‌گردد... فساد اخلاق و قساوت قلب و از بین رفتن عواطف رقیقه، روابط عمومی را از بین برده و هجوم بلیات و تراکم مصیبات، تهدید به انقراضش می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۷۲/۸).

۳.۳. ورود عقل به جامعه انسانی

برنامه و راهکار ادیان الاهی برای اداره زندگی انسانی مسئله‌ای بسیار مهم و ضروری است. یکی از برنامه‌های الاهی برای بهتر زندگی کردن انسان‌ها به صورت اجتماعی ورود عقل به تصمیمات و جامعه انسانی است. عقل در منظر امامیه جایگاه ویژه‌ای دارد. نزد شیعیان عقل به منزله مبادی رسیدن به حکم خدا در جامعه شناخته می‌شود. مرتبه عقل نزد امامیه چنان اهمیتی دارد که هم‌ردیف با قرآن کریم و سنت معصومان (علیهم‌السلام) است. به تعبیر فقهی و اصولی، عقل یکی از منابع احکام شرعی است و جمله «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ، وَ كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ» (آخوند خراسانی، ۱۳۷۹: ۱۲۷) که از آن به «قاعده ملازمه» یاد می‌کنند از جمله قواعد پُربسامد در کتب فقهی امامیه است (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۴۸/۱). در این قاعده هر گاه عقل مستقلاً به حسن یا مصلحت، و قبح یا مفسده فعلی حکم کند شارع مقدس نیز راجع به آن فعل حکم امر یا نهی دارد. به عبارت دیگر، نزد امامیه بین حکم عقل با حکم الاهی مطابقت وجود دارد (آخوند خراسانی، ۱۳۷۹: ۱۳۵ و ۱۳۶).

مطهری درباره استفاده مجتهدان از حکم عقل می‌گوید: «حکم عقل راهی است که اسلام جلو پای مجتهد گذاشته. مجتهدین در عصر اسلام، کار انبیای امت را می‌کنند یعنی باید بکنند؛ باید کار انبیای امت را در اعصار قبل از اسلام بکنند» (مطهری، ۱۳۷۰: ۲۳/۲). جوادی آملی معتقد است یکی از کارکردهای اجتماعی دین ورود عقل به جامعه بشری است. وی عقل را در برخی معارف، معیار، در

برخی دیگر مصباح، و در برخی دیگر مفتاح شریعت دانسته است. معیار بودن عقل در برخی از اصول و مبادی عقلی است و مصباح‌بودنش راجع به حقایق و رهاوردهای درونی شریعت است. در این صورت عقل دو نقش دارد: تلاش برای کشف حکم کتاب و سنت؛ و دیگری پیش‌نهادن منابع و ابزارهای عقلی برای دریافت احکام شرعی. بر این اساس، عقل در کنار سه منبع دیگر فقهی، یعنی کتاب، سنت و اجماع، به عنوان منبع فقهی یاد شده است. کار دیگر عقل، مفتاح‌بودن است؛ یعنی پس از آنکه عقل به عنوان مصباح وظیفه خود را در شناخت قوانین و مقررات انجام داد، از آن پس حق دخالت و ورود در محدوده شرع را ندارد (نک: جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۰۵، ۲۰۷).

۳.۴. افزایش معرفت اجتماعی بشر

انسان در فطرت معنوی خود سه ویژگی دارد: حس خداجویی، معرفت‌شناسی، روح اجتماعی یا همان مدنی بالطبع بودن که در تفاسیر قرآن آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷/۲۰۵). یکی از آثار ورود دین به متن جامعه، افزایش معرفت اجتماعی انسان‌ها است. معنای «معرفت»، شناخت است؛ شناخت خود، شناخت جامعه و شناخت خدای متعال. نتیجه این افزایش معرفت اجتماعی بشر شناخت همه خوبی‌ها و بدی‌ها است، یا به عبارتی مصالح و مفاسد و حاکم‌شدن روح اخلاق در جامعه.

برای توسعه و کسب معرفت اجتماعی، راه‌های متعددی مطرح می‌شود. یکی از راهکارهای محقق‌شده ادیان الهی برای رشد و توسعه این معرفت اجتماعی در جوامع بشری، بیداری از غفلت است. علی (علیه السلام) فرمودند: «سستی دل را با پایداری درمان نما و خواب غفلت‌دیدگان خود را با بیداری درمان کن» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۳). پس یکی از مشکلات پیش روی رشد و توسعه معرفت اجتماعی بشر، غفلت است. روایات نیز نتیجه این غفلت را جهل معرفی می‌کند که یکی از ابزارهای شکست انسان در زندگی جمعی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۵۲-۵۶). حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «من کان له من نفسه یقطه، کان علیه فی الله تعظة» (آمدی، ۱۳۷۸: ح ۸۷۴۷). یعنی کسی که خود بیدار باشد، خداوند برایش نگهبانانی قرار می‌دهد تا به بیراهه نرود.

خداوند این فطرت را به صورت صحیح در وجود انسان قرار داده، و انسان است که بر روی این فطرت موانعی ایجاد کرده است. هر کسی که به ندای فطرت خود پاسخ صحیح بدهد به خواب نمی‌رود و بیداری نصیبش می‌شود. انسان با تفکر در آیات آفاق و انفس به کمک فطرت خداجوی خود، سعادت را نصیب خود می‌کند و دیدگاهش درباره عالم تغییر می‌کند. این انسان در اجتماع دیگر طغیان نمی‌کند، ظلم نمی‌کند، زور نمی‌گوید، به حقوق انسان‌های دیگر چنگ‌اندازی

نمی‌کند، چنان‌که قرآن مصداق این نوع انسان را علما می‌داند و می‌فرماید: «انما یخشى الله من عباده العلماء» (فاطر: ۲۸)؛ «از میان بندگان خدا، فقط علما و دانایان از خدا ترس دارند و خشیت در دل سبب پندپذیری و بیداری می‌شود». این آیه بدین معنا نیست که فقط علما سبیل نجات را به دست آورده‌اند، بلکه مصداقی از رشد معرفت و بیداری را در جامعه معرفی می‌کند و می‌گوید هر کس این روش را به دست گیرد این موفقیت را نیز به دست می‌آورد.

۳.۵. برقراری عدالت اجتماعی

یکی از وظایف انبیای الهی اصلاح جامعه و مبارزه با مفاسد اجتماعی است. این مسئله ابزار بسیار مهمی دارد که همان اجرای عدالت در تمام شئون اجتماعی انسان است (حدید: ۲۵).^۳ عدالت فقط در امور مالی و اقتصادی نیست، بلکه شئون مختلفی دارد. حتی در زمینه معنوی نیز عدالت متصور است. مثلاً قرآن کریم حضرت شعیب علیه السلام را تمثیل می‌آورد که هدف از بعثتش را اصلاح جامعه و برقراری عدالت بیان می‌کند (هود: ۸۸).^۴ «معنای عدالت، اعطاء حق هر صاحب حقی است که باید ایفا شود تا ظلم به انسان دیگری شامل نشود» (احمدی، ۱۳۹۲: ۳۹).

البته وجود قوانین و دستورهای کلی برای بشر مشکلات بشر را به‌تنهایی حل نمی‌کند، بلکه لازم است انسان قوه اخلاق و عقلانیت خود را فعال کند. عامل بسیار مهم برای فعال‌کردن قوایی که جلوی غرایز انسان را بگیرد و به عبارت دیگر عنان اختیار و مهار غرایز را به دست انسان بسپارد، شرایع و ادیان الهی است که یکی از اهدافشان تزکیه نفس و تعلیم انسان است تا انسان به حقوق انسان‌های دیگر در جامعه دست‌درازی نکند و حق را مراعات کند. دیگر اهرم انبیای الهی برای کمک به مهار غرایز، وعده‌ها و وعیدهای الهی بوده است؛ کسانی را که نفع و سود شخصی‌شان را به دلیل تعارض با منافع و حقوق انسان‌های دیگر نادیده می‌گیرند، به بهشت و نعمت‌های الهی وعده داده‌اند و انسان‌هایی را که منافع خود را بر حقوق انسان‌های دیگر ترجیح داده‌اند به عذاب‌های الهی ترسانده‌اند (حدید: ۲۵).^۵ در قرآن کریم توصیه‌های دیگری درباره برقراری عدالت اجتماعی در جامعه انسانی بیان شده و این هدف فقط در مبارزه انبیا با طاغوت‌های زمان نبوده، بلکه معنای اعمی را دنبال می‌کند که همان اصل گسترش عدالت اجتماعی است (اعراف: ۲۹؛ نساء: ۱۳۵).^۶

۳.۶. اجرایی‌شدن اصول اخلاقی در جامعه

ادیان مختلف با تمام گستردگی و تفاوت‌ها و ظهور در اعصار مختلف همگی اخلاق را یکی از

اصول مسلم خود معرفی کرده‌اند و در حوزه مسائل اخلاقی توافق داشته‌اند. مثلاً تمام ادیان زنده جهان به پیروان خود این درس و نکته مهم اخلاقی را آموزش می‌دهند که با دیگران چنان رفتار کن که دوست داری با تو آن‌گونه رفتار کنند (چراغی، ۱۳۹۰). پیامبر اسلام، که اسوه اخلاق است و اهتمام ویژه‌ای به رشد و توسعه فرهنگ و اخلاق دارد، در بیانی فلسفه بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق معرفی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸۲/۶۸).^۷ در بیان انبیای الهی نیز درباره دستگیری از ضعیفان، فقیران و نیازمندان وحدت رویه به چشم می‌خورد. تعالیم و آموزه‌های مهمی درباره ایثار و از خود گذشتن در دین تحسین و تشویق شده و آثار متعددی بر این امور بیان شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۹/۴). بزرگان دین، هم خودشان به طبقات پایین جامعه کمک، و در حق ایشان ایثار کرده‌اند و هم دیگران را به چنین کارهایی سفارش کرده‌اند. مؤسسات دینی و افراد متدین کمک‌های بسیار به افراد نیازمند می‌کنند. صندوق‌های صدقات از قدیم در مساجد و تکایا وجود داشته و بسیاری از نیازمندان محل از همین کمک‌ها اداره می‌شوند. «تحقیقات انجام‌شده در اروپا و آمریکا نشان می‌دهد که بین دینداری و کمک به نیازمندان و امور خیریه رابطه مثبت وجود دارد و میزان همکاری دینداران نسبت به دیگران بالا است» (آذربایجانی، ۱۳۹۴: ۱۷۴).

پیامبران الهی از بین مردم عادی جامعه برانگیخته شدند و به زبان آنها سخن گفتند. این موضوع، آنها را در رشد و توسعه اخلاق در جامعه یاری کرد (جمعه: ۲).^۸ اگر انبیا این محور مهم، یعنی بیان موضوعات و مسائل اخلاقی را در متن جوامع دنبال نمی‌کردند، نهایت قدرت اخلاق در کنار کتاب‌ها و کتاب‌خانه‌ها می‌ماند و مردم دیگر التزام عملی به این مسائل پیدا نمی‌کردند، ولی انبیای الهی اول خودشان به اخلاق عمل کردند و بعد دستور به رعایت اخلاق را سرلوحه دستورها و توصیه‌های خود دانستند.

۳. ۷. تعدیل غرایز بشری در جامعه

انسان دارای غرایز و امیال گوناگونی است که وجود این غرایز در بقای نوع بشر بسیار مؤثر است. این غرایز در عین کمک به وجود انسان باید مهار شود. زیرا بین انسان و حیوانات مشترک است و اگر مهار نشود بشر دچار کم و کاستی در اصل وجود انسانیت می‌گردد. البته برخی از این غرایز و امیال اختلافاتی با هم دارند ولی این اختلافات هم بد نیست. نتیجه اینکه این غرایز در وجود انسان منافع بسیار دارد، ولی باید تعدیل شود تا دچار افراط و تفریط نگردد. انبیای الهی با بیان جایگاه رفیع انسان و توجه به معنویات و ماوراءالطبیعه، خصوصاً زندگی و جهان پس از مرگ،

بر این موضوع تأکید داشتند که این دنیا جایگاه ابدی انسان نیست. پس باید برای رسیدن به مراتب بالای معنوی ابعاد ایمانی ابعاد مادی انسان، که در غالب غریز حیوانی در وجود انسان قرار داده شده است، رها نباشد بلکه با برنامه خاص خود تعدیل، و از آن استفاده صحیح شود تا مسیر الهی و قدسی شدن انسان دچار مخاطره نگردد. مثلاً غریزه جنسی در انسان باعث بقای نسل بشر است و اسلام هم این غریزه را بد نمی‌داند، ولی راهی که پیش می‌نهد راه میانه‌روی در اعمال این غریزه است (آل‌عمران: ۱۴) نه مسیر افراط یا تفریط در استفاده از غریزه جنسی.

اسلام بعد از بیان راه میانه‌روی در تمایلات جنسی، به نتیجه افراط در این غریزه می‌پردازد که منجر به بی‌بندوباری جنسی می‌شود و از این روش نهی می‌کند (مؤمنون: ۵-۷). از طرفی تفریط یا سرکوب کامل این غریزه را که منجر به رهبانیت و ازدواج‌نکردن می‌شود خوب نمی‌داند (مائده: ۸۷). مصداق بارز این تفریط در بین کشیشان مسیحیت دیده می‌شود. البته خود غربیان هم نتیجه این برداشت اشتباه را فساد اخلاقی و جنسی در بین راهبان مسیحیت می‌دانند (دورانت و دورانت، ۱۳۹۱: ۶۰۴/۵). به دیگر سخن، انسان برای حفظ نوع انسانیت باید به فضایل و حیوانی ملتزم شود تا به مقصود اصلی از خلقت خود در این عالم نائل آید. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «هر که خود را بزرگوار دید شهوت‌هایش در دیده وی خوار گردید» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۴۱).

۳.۸. بهداشت روانی جامعه

زندگی انسان در عصر فناوری‌های جدید و نانو تکنولوژی‌ها، اشتغالات و سردرگمی‌هایی برای بشر ایجاد کرده که موجب نابسامانی‌های روانی و افسردگی‌های روحی بسیار در نوع بشر شده است. از دیرباز در زندگی بشر موضوع سلامت و بهداشت روان در جامعه اهمیت ویژه داشته است. یکی از کارکردهای دین که انبیای الهی بر آن اصرار داشتند ایجاد آرامش روحی و روانی است. آنها مشکلات و اضطرابات ذهنی را شناسایی، و راهکارهای لازم برای رفع آن را مطرح می‌کردند.

البته در بین روان‌شناسان نظریات مختلفی وجود دارد؛ برخی نظریات درباره نفی یا اثبات این مدعا است. افرادی مانند فروید، دین را نوعی اختلال می‌دانند (پالمر، ۱۳۸۸: ۲۴)، ولی ویلیام جیمز، از مهم‌ترین نظریه‌پردازان علم روان‌شناسی و پدر این علم، می‌گوید: «زندگی در پرتو مذهب دو صفت بارز دارد: سرشار بودن از رحمت محض و بهجت دلیرانه و آرامش باطنی مذهب، همان قدر که با مسخره‌بازی‌ها و بیهودگی‌ها دشمنی دارد و با شکایت از سرنوشت و تقدیر می‌ستیزد» (جیمز، ۱۳۵۱: ۱۴). همچنین، بنیامین راش، از روان‌پزشکان بزرگ آمریکایی، می‌گوید: «دین آن قدر برای

پرورش و سلامت روح آدمی اهمیت دارد که هوا برای نفس» (شاکری‌نیا، ۱۳۷۹: ۳۸). آبراهام مزلو می‌گوید: «مذهب پاسخ بسیاری از پرسش‌ها را می‌دهد، بسیاری از مسائل را روشن توجیه می‌کند و به انسان اطمینان و قدرت و امید به آینده می‌بخشد» (مزلو، ۱۳۷۵: ۷۷).

دیدگاه‌های اندیشمندان امامیه نیز درباره نقش دین در بهداشت روانی جامعه انسانی بسیار گسترده است. زیباترین بیان را در کلمات حضرت علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه می‌یابیم، آنجا که می‌فرماید: «برای دردهایتان، از قرآن کریم سلامت بخواهید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۶). یقیناً قرآن کریم راه و روش صحیح زندگی کردن را به انسان نشان می‌دهد. حضرت علی (علیه السلام) برای آرامش روانی جامعه توصیه‌های دیگری هم دارد، مانند اینکه: «چشم‌ت را بر خار و خاشاک زندگی ببند تا همیشه راضی باشی» (نهج‌البلاغه، ح ۲۱۲). طباطبایی ذیل آیه ۲۸ سوره رعد می‌گوید:

یاد خدا برای انسان، که همواره اسیر حوادث است و در جست‌وجوی رکن وثیقی است که او را به سعادت و آرامش رسانده است، این انسان گاه در امور خود متحیر است، نمی‌داند به کجا می‌رود و به کجایش می‌برند و برای چه آمده، این یاد خداوند است که برای او مایه انبساط و آرامش است (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۳۹۲/۱۱).

۳. ۹. آزادی انسان

یکی از اهداف انبیای الهی، آزادکردن انسان از قیودی است که بشر را از رشد و تعالی باز می‌دارد. انسان فطرتاً آزاد آفریده شده و به آزادی عشق دارد. انبیای الهی آمده‌اند تا بشر را از این وابستگی‌ها رهایی بخشند. در قرآن کریم آیات متعددی به موضوع آزادی انسان اشاره دارد، از جمله: «پیامبری که مکتب‌نرفته باسواد است ... و بارهای تکالیف سنگین و زنجیره‌ها [ی جهل، بی‌خبری و بدعت را] که بر دوش عقل و جان آنان است برمی‌دارد» (اعراف: ۱۵۷). از این آیه به دست می‌آید که بشر در زندگی اجتماعی موانعی برای تحقق آزادی اجتماعی‌اش پیش روی خود دارد. انبیایی همچون ابراهیم در مقابل نم‌رود، موسی در برابر فرعون، و عیسی در برابر قیصر، جبهه نیرومندی را تشکیل دادند تا با این ظلم و ظالمان مبارزه کنند و آزادی را به انسان‌های جامعه اعطا کنند. پس اولین مواجهه انبیای هر جامعه‌ای، مواجهه با ظالمان و مستکبران آن جامعه بوده است. سیره عملی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز بعد از ورود به مدینه همین بود. سلسله مبارزات پیامبر (صلی الله علیه و آله) گواه همین مدعا است. غزوات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان با مستکبران و ظالمان کفار از همین باب بود و همین سیره مبارزاتی در سبک زندگی ائمه (علیهم السلام) وجود داشته است.

مسئله نگرش دین به موضوع آزادی انسان در کلمات بزرگان امامیه نیز به وفور یافت می‌شود. موسوی خمینی آزادی انسان را رهاورد دین، و آن را هدیه‌ای برای انسان از جانب خدا می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۸۴: ۹۲/۷). در تعبیر دیگری، وی پس از بیان نعمت‌های الهی یکی از نعمات الهی، بلکه بالاترین نعمت الهی برای انسان، را آزادی بشر در پرتو دین می‌داند (همان: ۱۳۱/۱۰ و ۴۹/۸). مطهری یکی از کارکردهای اجتماعی دین را آزادی بیان اندیشه در جامعه می‌داند و صراحتاً می‌گوید آنچه باعث تعالی و رشد جامعه می‌شود آماده‌سازی محیطی امن برای بیان اندیشه‌ها، عقاید و آرای افراد جامعه است (مطهری، ۱۳۷۲: ۶۴).

۳. ۱۰. ایجاد و توسعه تمدن بشری

از ابتدای خلقت انسان و قرارگرفتنش بر روی زمین، ضروری‌ترین و کوچک‌ترین اطلاعات را درباره چگونگی زندگی کردن یا به بیان کامل‌تر، آداب اولیه زندگی اجتماعی نیاموخته بود. حتی راه تأمین نیازهای اولیه خود، مانند تهیه آتش، را نمی‌دانست و آگاه نبود که چگونه مشکلات را از پیش روی خود بردارد. قرآن کریم درباره حسادت قابیل به هابیل که به قتل هابیل به دست قابیل انجامید، و تحیر و سردرگمی قاتل (قابیل) راجع به اینکه با جنازه برادرش (هابیل) چه کند، می‌فرماید به قدرت خدا کلاغی فرستاده شد تا روش دفن کردن مرده را به قابیل بیاموزد: «پس [در کنار جسد برادرش سرگردان بود که] خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را می‌کاوید تا به او نشان دهد که چگونه جسد برادرش را پنهان کند» (مانده: ۳۱).^۹

انسان در زندگی اجتماعی اش کم‌کم تمام طبیعت و عالم را تسخیر کرد. ولی مسئله مهم این است که انبیای الهی درباره رشد و توسعه این تمدن چه کرده‌اند. شیعیان نیز با الهام‌گرفتن از قرآن و فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام)، که سرچشمه نگاه توحیدی شیعیان است، تأکید بر مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر فرق و مذاهب را سرلوحه خود قرار دادند. وجود عناصری همچون رعایت حق همسایه در حقوق شهروندی از تأکیدات بزرگان شیعه، به‌خصوص ائمه (علیهم‌السلام) است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۸، باب ۸۶، ح ۱). نیز در موضوع تشکیل حکومت در جامعه بشری شیعیان برای ایجاد نظم و هماهنگی بیشتر اداره جامعه بشری (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶ و ۱۵۸، نامه ۴۷) تحت آموزش معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) قرار گرفتند و دانشمندان و اندیشمندان تأثیرگذاری در تمدن بشری به همت ائمه (علیهم‌السلام) و تحت تعالیم ایشان تربیت شدند، از جمله: ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا، هشام بن حکم و جابر بن حیان.

۳.۱۱. توسعه فرهنگ تولید و اشتغال در جامعه

برخی از محققان می‌گویند در قرآن کریم حدود ۴۰۰ آیه برای تشویق به کار و تلاش نازل شده است (احمدی‌افزادی، بی‌تا، در: <https://b2n.ir/n04715>). البته در قرآن کریم وقتی درباره زندگی انبیا کلماتی بیان می‌شود، موضوع کار و تلاش را برای همه آنها بیان می‌کند و مستقیماً به تلاش و کوشش دعوت و تشویق می‌کند، مانند: «و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره‌ای] نیست» (نجم: ۳۹).^۱ مکارم شیرازی درباره این آیه می‌گوید:

«سعی» در اصل به معنای راهرفتن سریع است که به مرحله دویدن نرسیده، ولی غالباً به معنای تلاش و کوشش به کار می‌رود، چراکه به هنگام تلاش و کوشش در کارها انسان حرکات سریعی انجام می‌دهد، خواه کار خیر باشد یا شر (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۵۰/۲۲).

انس بن مالک می‌گوید:

رسول خدا (ص) از جنگ تبوک بازمی‌گشت. سعد انصاری به استقبال او آمد. حضرت با او مصافحه کرد و دست سعد را زیر و خشن یافت. فرمود: «چه صدمه و آسیبی به دستت رسیده است؟». سعد گفت: «یا رسول الله (ص)! با طناب و بیل کار می‌کنم و سر و کارم با آب و چاه و بیل و طناب است و درآمدم را خرج معاش خانواده‌ام می‌کنم». رسول اکرم (ص) مقابل افراد بی‌شماری که این صحنه را می‌دیدند، دست آن کارگر زحمت‌کش را بوسید و گفت: «این دستی است که آتش با آن تماس پیدا نمی‌کند» (ابن اثیر، ۱۳۸۴: ۱۶۹/۲).

مصدق عملی این تلاش و کوشش بعد از دوران پیامبر اکرم علیه السلام، ائمه علیهم السلام هستند که کارکردن را عین عبادت می‌دانستند. روایات مختلفی در این خصوص نقل شده است (نوری، ۱۴۰۸: ۴۱۷/۲). در احادیث دیگری، این تلاش و کوشش را در مسیر رفاه خانواده، مجاهدت در راه خدا در کنار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم دانسته‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹/۱۲). مصادیق فراوانی برای این مدعا یافت می‌شود.

۳.۱۲. تشویق جامعه به فراگیری علم

یکی از کارکردهای اجتماعی دین در دیدگاه امامیه توصیه به فراگیری علم در جامعه است. زیرا به تعبیر حضرت علی علیه السلام آنچه برای جامعه قدرت می‌آورد پول و مادیات نیست، بلکه علم است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۳۱۹/۲۰). در آیات و روایات بسیاری مردم به تعقل و فکرکردن و یادگیری علوم مختلف دعوت شده‌اند. در جایگاه و اهمیت پرداختن به علم و علم‌آموزی در اسلام همین بس که

اولین آیاتی که بر نبی اکرم ﷺ نازل می‌شود درباره خواندن (علق: ۱)^{۱۱} است. آیات متعددی در قرآن کریم درباره جایگاه جامعه‌ای است که به سمت علم و دانش می‌رود و صراحتاً بر درجات عالی این جوامع تأکید می‌کند: «خدا آنها را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که دانش یافته‌اند به درجاتی برافرازد» (مجادله: ۱۱).^{۱۲} در تفسیر نمونه درباره این آیه آمده است: «گرچه این آیه شریفه در مورد خاصی نازل شده است، ولی با وجود تمام تفاسیر ارائه‌شده آیه شریفه مفهوم عامی دارد و در صدد بیان این نکته است که، آنچه جایگاه انسان را به قرب الهی می‌رساند، دو موضوع است: اول، ایمان؛ دوم، علم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۲۲/۲۳-۴۲۳). در بین مسلمانان عالی‌ترین و بالاترین جایگاه انسان مقام «شهادت» است، ولی در بین روایات مأثوره ائمه (علیهم‌السلام) جایگاه و مقام عالم از شهید بالاتر دانسته شده و در احادیث دیگر برتری عالم بر سایر مردم از باب برتری خودشان بر انسان‌های دیگر بیان شده است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲۵۳/۹).

نکته بسیار مهم اینکه، در مقایسه عالم و عابد در حدیث دیگری از ائمه (علیهم‌السلام) آمده است: «برتری عالم بر عابد همچون برتری ماه در شب بدر، بر سایر ستارگان است» (حویزی، ۱۴۱۵: ۲۶۴/۵). همچنین، پیامبر ﷺ و ائمه (علیهم‌السلام) نیز تمام افراد جامعه را به فراگیری علوم مختلف تشویق می‌کردند و آموختن علم را برای هر مسلمانی واجب می‌دانستند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶/۲۷). در جای دیگر، محدوده زمانی کسب علم را برای جامعه تا لحظه مرگ معرفی می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۸/۱).

تحلیل و بررسی

کارآمدی ادیانی که تحریف نشده‌اند در زندگی اجتماعی انسان بسیار محسوس است. این کارایی خصوصاً در بین امامیه چشمگیر است. نکته بسیار مهم دیدگاه امامیه در بحث کارکردگرایی دین این است که تمام ابعاد زندگی انسان، خصوصاً بعد اجتماعی انسان، را فرا می‌گیرد. در تمام ادوار تاریخ زندگی بشر، گروهی از انسان‌ها بر ناکارایی دین برای زندگی اجتماعی بشر اصرار داشتند، اما به نظر می‌رسد ادعای این گروه‌ها کامل نیست و این فرقه امامیه است که اصرار دارند پیام تمام انبیا و ادیان تحریف‌نشده و تغییرنیافته بر کارآمدی ادیان و دستورهای الهی استوار است. کارآمدی دین در بین امامیه واضح است. بزرگان فرقه امامیه برای مدعای خود دلایل عقلی و نقلی متعددی آورده‌اند. در این مقاله به برخی از فواید و مصادیق کارکردهای اجتماعی دین در زندگی اجتماعی انسان، که با برنامه‌های دقیق و مشخص خود سعی در تهیه زندگی سعادت‌مندی در دنیا و آخرت دارند، اشاره کردیم. برخی از آنها عبارت‌اند از: همبستگی اجتماعی، جلوگیری از پوچ‌گرایی و

انحرافات فکری، ورود عقل به جامعه انسانی، افزایش معرفت اجتماعی بشر، برقراری عدالت اجتماعی، اجرایی شدن اصول اخلاقی در جامعه، تعدیل غرایز بشری در جامعه، بهداشت روانی جامعه، آزادی انسان، ایجاد و توسعه تمدن بشری، توسعه فرهنگ تولید و اشتغال در جامعه، تشویق جامعه به فراگیری علم. با توجه به تحقیقات انجام شده و اعترافات دانشمندان علوم انسانی به این نتیجه می‌رسیم که هیچ عامل دیگری نمی‌تواند مانند دین برای جامعه انسانی کارایی داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. قال رسول الله ﷺ: «الدنيا المزرعة الآخرة».
۲. «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ».
۳. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».
۴. «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ».
۵. «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ».
۶. «قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ».
۷. قال رسول الله ﷺ: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».
۸. «هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم يتلو عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة».
۹. «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ».
۱۰. «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى».
۱۱. «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ».
۱۲. «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ».

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۳). ترجمه: حسین انصاریان، قم: اسوه.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۳۷۹). فوائد الأصول: مبحث قاعدة الملازمة بين العقل والشرع، قم: انتشارات اسلامی.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۴). روان‌شناسی دین از منظر ویلیام جیمز، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۸). غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه و شرح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- ابن ابی الحدید معتزلی (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه، قم: کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن اثیر الجزری، مجد الدین أبو السعادات المبارک (۱۳۶۷). النهاية فی غریب الحديث والأثر، قم: اسماعیلیان.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۴). اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوزید، نصر حامد (۱۹۹۸). «مدرن‌کردن اسلام یا اسلامی‌کردن مدرنیته»، ترجمه: روح‌الله فرج‌زاده، در: <http://nasr-hamed-abuzayd.blogfa.com/post/30>
- احمدی‌افزادی، مسعود (بی‌تا). «کار و کوشش در قرآن کریم»، در: <https://b2n.ir/n04715>.
- احمدی، سید جواد (۱۳۹۲). «اصطلاح‌شناسی «عدالت» و پیوند آن با مفاهیم همسودر آموزه‌های نهج البلاغه»، در: معرفت اخلاقی، س ۴، ش ۱۳، ص ۳۷-۵۴.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۹۲). تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه: علی هاشمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اکبری، رمضان (۱۳۸۹). «دین و توسعه»، در: سخن صبا، ش ۱، ص ۲۷-۳۵.
- پالمر، مایکل (۱۳۸۸). فروید، یونگ و دین، ترجمه: محمد دهگان‌پور، غلام‌رضا محمودی، تهران: رشد.
- جرجانی، الشریف علی بن محمد (۱۳۷۰). التعریفات، تهران: ناصرخسرو.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). شریعت در آینه معرفت، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). نسبت دین و دنیا، قم: اسراء.
- الجوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴). تاج اللغة و الصحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین.
- جیمز، ویلیام (۱۳۵۱). دین و روان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- چراغی، علی (۱۳۹۰). نگاهی جامع به قاعده طلایی، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البتیة.
- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
- خداپرستی، فرج‌الله (۱۳۷۶). فرهنگ واژگان مترادف و متضاد، شیراز: دانش‌نامه فارس.

- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۷۹). کلام جدید، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، چاپ اول. دورانت، ویلیام جیمز؛ دورانت، آریل (۱۳۹۱). تاریخ تمدن، ترجمه: گروه مترجمان، تهران: علمی و فرهنگی. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر: محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن، دمشق، بیروت: دار العلم، الدار الشامیه، الطبعة الاولى.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی، چاپ هفتم. سبحانی، جعفر؛ محمدرضایی، محمدرضا (۱۳۹۲). اندیشه اسلامی ۲، قم: معارف.
- شاکری‌نیا، ایرج (۱۳۷۹). «تأثیر باورهای مذهبی بر بهداشت روانی انسان»، در: پیوند، ش ۲۵۷، ص ۳۴-۳۹. شریعت‌مداری، حمیدرضا (۱۳۸۹). «اقتدار دین در پالایش جامعه از انحرافات اجتماعی»، در: کتاب زنان، ش ۱۷، ص ۵۰-۶۵.
- شهرستانی، عبد‌الکریم (۱۴۰۴). الملل والنحل، بیروت: دار المعرفة.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۵). شیعه در اسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۸). شیعه در اسلام، قم: بوستان کتاب، چاپ پنجم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۷). المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، الطبعة الثالثة.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم و تهران: دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرين، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- القیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴). المصباح المنیر، قم: دار الهجرة.
- قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۲). «کارکرد دین در انسان و جامعه»، در: قیاسات، ش ۲۸، ص ۱۶۱-۱۸۸.
- قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- کدیور، محسن (۱۳۸۳). «اسلام و دموکراسی: سازگاری یا ناسازگاری»، در: همایش بین‌المللی دین و دموکراسی، دانشگاه فردوسی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مازندرانی، محمد صالح (۱۳۸۲). شرح الکافی: الأصول والروضه، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۱). هرمنوتیک کتاب و سنت، تهران: طرح نو، چاپ پنجم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- مزلو، آبراهام (۱۳۷۵). انگیزش و شخصیت، ترجمه: احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۷). حقوق و سیاست در قرآن، نگارش: محمد شهبازی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). اسلام و نیازهای زمان، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا، چاپ نهم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین، تهران: زرین، چاپ سوم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۷). ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ نهم.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۴). صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۵). جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی دین، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نیان.

References

- The Holy Quran. 2004. Translated by Hoseyn Ansariyan, Qom: Osweh.
- Nahj al-Balagheh. 2000. Translated by Mohammad Dashti, Qom: Mashhur.
- Abu Zeyd, Nasr Hamed. 1998. "Modern Kardan Islam ya Islami Kardan Moderniteh (Modernization of Islam or Islamization of Modernity)", Translated by Ruhollah Farajzadeh, in: <http://nasr-hamed-abuzayd.blogfa.com/post/30>
- Ahmadi Afzadi, Masud. n.d. "Kar wa Kushesh dar Quran Karim (Work and Effort in the Holy Quran)", in: <https://b2n.ir/n04715>
- Ahmadi, Seyyed Jawad. 2013. "Estelahshenasi Edalat wa Peywand An ba Mafahim Hamsu dar Amuzeh-hay Nahj al-Balagheh (The Terminology of Justice and Its Connection with Similar Concepts in the Teachings of Nahj al-Balaghah)", in: *Moral Knowledge*, yr. 4, no. 13, pp. 37-54. [in Farsi]
- Akbari, Ramezan. 2010. "Din wa Toseeh (Religion and Development)", in: *Saba's Word*, no. 1, pp. 27-35. [in Farsi]
- Akhund Khorasani, Mohammad Kazem ibn Hoseyn. 2000. *Fawaed al-Osul: Mabath Ghaedeh al-Molazemah bayn al-Aghl wa al-Shar' (Benefits of Principles: Discussion of the Rule of Concomitance between the Intellect and the Sharia)*, Qom: Islamic Publication. [in Arabic]
- Al-Fayyumi, Ahmad ibn Mohammad. 1993. *Al-Mesbah al-Monir (The Illuminating Light)*, Qom: Al-Hejrah House. [in Arabic]
- Al-Johari, Esmail ibn Hammad. 1983. *Taj al-Loghah wa al-Sehah al-Arabiyah*, Beirut: Institute of Sciences for Millions. [in Arabic]
- Amedi, Abd al-Wahed. 1999. *Tasnif Ghorar al-Hekam wa Dorar al-Kalem (Exalted Aphorisms and Pearls of Speech)*, Translated & Researched by Seyyed Hashem Rasuli Mahallati, Tehran: Islamic Culture Publishing. [in Farsi]
- Azarbayjani, Masud. 2015. *Rawanshenasi Din az Manzar William James (The Psychology of Religion from the Perspective of William James)*, Qom: Research Institute of Hawzeh and University. [in Farsi]
- Cheraghi, Ali. 2011. *Negahi Jame be Ghaedeh Talayi (A Comprehensive Look at the Golden Rule)*, Qom: Book Garden, First Edition. [in Farsi]
- Dehkhoda, Ali Akbar. 1998. *Loghatnameh Dehkhoda (Dehkhoda Dictionary)*, Supervised by Mohammad Moin & Seyyed Jafar Shahidi, Tehran: University of Tehran. [in Farsi]

- Durant, Will James; Durant, Ariel. 2012. *Tarikh Tamaddon (Story of Civilization)*, Translated by Translators Group, Tehran: Scientific and Cultural. [in Farsi]
- Ghadrdan Gharamaleki, Mohammad Hasan. 2003. "Karkard Din dar Ensan wa Jameeh (The Function of Religion in Man and Society)", in: *Ghabasat*, no. 28, pp. 161-188. [in Farsi]
- Ghorashi, Seyyed Ali Akbar. *Ghamus Quran (Glossary of the Quran)*, Tehran: Islamic Books Institute, Sixth Edition. [in Farsi]
- Hamilton, Malcolm. 1998. *Jameshenasi Din (The Sociology of Religion)*, Translated by Mohsen Tholathi, Tehran: Tebyan. [in Farsi]
- Horr Aameli, Mohammad ibn Hasan. 1988. *Wasael al-Shiah (The Means of the Shiites)*, Qom: Al al-Bayt Foundation. [in Arabic]
- Howeyzi, Abd Ali ibn Jomah. 1994. *Tafsir Nur al-Thaghalayn (The Exegesis of the Light of Two Weighty Things)*, Qom: Esmailiyan. [in Arabic]
- Ibn Abi al-Hadid Motazeli. 1983. *Sharh Nahj al-Balagheh (Commentary of Nahj al-Balagheh)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Ibn Athir al-Jazari, Majd al-Din Abu al-Saadat al-Mobarek. 1947. *Al-Nehayah fi Gharib al-Hadith wa al-Athar (Dictionary of Strange Hadith Terms)*, Qom: Esmailiyan. [in Arabic]
- Ibn Athir, Ali ibn Mohammad. 1964. *Osd al-Ghabah fi Marefat al-Sahabah (Forest Lion in Recognition of the Companions of the Prophet)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- James, William. 1972. *Din wa Rawan (Religion and Psyche)*, Tehran: Book Translation and Publishing Company. [in Farsi]
- Jawadi Amoli, Abdollah. 1999. *Shariat dar Ayineh Marefat (Sharia in the Mirror of Knowledge)*, Qom: Esra. [in Farsi]
- Jawadi Amoli, Abdollah. 2012. *Nesbat Din wa Donya (The Relationship between Religion and the World)*, Qom: Esra. [in Farsi]
- Jorjani, Al-Sharif Ali ibn Mohammad. 1991. *Al-Tarifat (Definitions)*, Tehran: Naser Khosru. [in Arabic]
- Kadiwar, Mohsen. 2004. "Islam wa Demokrasi: Sazgari ta Nasazgari (Islam and Democracy: Compatibility or Incompatibility)", in: International Conference on Religion and Democracy, Ferdowsi University. [in Farsi]

- Khodaparasti, Farajollah. 1997. *Farhang Wajegan Moteradef wa Motazad (Dictionary of Synonyms and Antonyms)*, Shiraz: Encyclopedia of Persia. [in Farsi]
- Khosropanah, Abd al-Hoseyn. 2000. *Kalam Jadid (New Theology)*, Qom: Seminary Center for Cultural Studies and Research, First Edition. [in Farsi]
- Koleyni, Mohammad ibn Yaghub. 1986. *Al-Kafi*, Tehran: Islamic Books House. In Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1982. *Behar al-Anwar (Oceans of the Lights)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser. 1995. *Tafsir Nemuneh (The Ideal Commentary)*, Tehran: Islamic Books Institute, First Edition. [in Farsi]
- Maslow, Abraham. 1996. *Angizesh wa Shakhshiat (Motivation and Personality)*, Translated by Ahmad Rezvani, Mashhad: Astan Qods Razavi. [in Farsi]
- Mazandarani, Mohammad Saleh. 2003. *Sharh al-Kafi: al-Osul wa al-Rozah*, Tehran: Islamic Library. [in Arabic]
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi. 1998. *Hoghugh wa Siyasat dar Quran (Law and Politics in the Quran)*, Transcribed by Mohammad Shahrabi, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, First Edition. [in Farsi]
- Moin, Mohammad. 2007. *Farhang Moin (Moin Dictionary)*, Tehran: Zarrin, Third Edition. [in Farsi]
- Mojtahed, Shabestari, Mohammad. 2002. *Hermonotik Ketab wa Sonnat (Hermeneutics of the Book and Tradition)*, Tehran: New Design, Fifth Edition. [in Farsi]
- Mostafawi, Hasan. 1981. *Al-Tahghigh fi Kalamat al-Quran al-Karim (Research in the Words of the Holy Quran)*, Tehran: Book Translation and Publishing Company. [in Arabic]
- Motahhari, Morteza. 1993. *Piramun Enghelab Islami (On the Islamic Revolution)*, Tehran: Sadra, Ninth Edition. [in Farsi]
- Motahhari, Morteza. 1998. *Islam wa Niyaz-hay Zaman (Islam and the Requirements of the Time)*, Tehran: Sadra. [in Farsi]
- Motahhari, Morteza. 2005. *Majmueh Athar Ostad Shahid Motahhari (The Collection of Master Martyr Motahhari's Works)*, Tehran: Sadra. [in Farsi]

- Musawi Khomeini, Ruhollah. 1998. *Welayat Faghih: Hokumat Islami (Islamic Government: Governance of the Jurist)*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, Ninth Edition. [in Arabic]
- Musawi Khomeini, Ruhollah. 2005. *Sahifeh Nur (Treatise of Light)*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [in Farsi]
- Musawi Khomeini, Ruhollah. 2006. *Jonud Aghl wa Jahl (Soldiers of Wisdom and Ignorance)*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [in Farsi]
- Nuri, Mirza Hoseyn. 1987. *Mostadrak al-Wasael*, Beirut: Al al-Bayt Institute. [in Arabic]
- Palmer, Michael. 2009. *Feroyd, Yung wa Din (Freud and Jung on Religion)*, Translated by Mohammad Dehganpur & Gholamreza Mahmudi, Tehran: Roshd. [in Farsi]
- Ragheb Isfahani, Hosayn ibn Mohammad. 1991. *Al-Mofradat fi Gharib al-Quran (Glossary of Quranic Terms)*, Beirut: Knowledge Institute, Damascus: Al-Shamiyah Institute, First Edition. [in Arabic]
- Ritzer, George. 2003. *Nazariyeh-hay Jameshenasi dar Doran Moaser (Contemporary Sociological Theory)*, Translated by Mohsen Tholathi, Tehran: Scientific, Seventh Edition. [in Farsi]
- Shahrestani, Abd al-Karim. 1983. *Al-Melal wa al-Nehal (Nations & Schools)*, Beirut: Thought House. [in Arabic]
- Shakeriniya, Iraj. 2000. "Tathir Bawarhay Mazhabi bar Behdasht Rawani Ensan (The Effect of Religious Beliefs on Human Mental Health)", in: *Connection*, no. 257, pp. 34-39. [in Farsi]
- Shariatmadari, Hamidreza. 2010. "Eghtedar Din dar Palayesh Jame az Enherafat Ejtemai (The Authority of Religion in Refining Society from Social Deviations)", in: *Women's Book*, no. 17, pp. 50-65. [in Farsi]
- Skidmore, William. 2013. *Tafakkor Nazari dar Jameshenasi (Theoretical Thinking in Sociology)*, Translated by Ali Hashemi, Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. [in Farsi]
- Sobhani, Jafar; Mohammad Rezayi, Mohammad Reza. 2013. *Andisheh Islami 2 (Islamic Thought 2)*, Qom: Knowledge. [in Farsi]

- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. 1998. *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Collection of Statements on the Interpretation of the Quran)*, Qom & Tehran: University of Tehran & Qom Seminary Management. [in Arabic]
- Tabatabayi, Mohammad Hoseyn. 1984. *Tafsir Al-Mizan (The Yardstick of the Interpretation of the Quran)*, Translated by Seyyed Mohammad Bagher Musawi Hamedani, Qom: Islamic Publications Office. [in Farsi]
- Tabatabayi, Mohammad Hoseyn. 2018. *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Yardstick of the Interpretation of the Quran)*, Tehran: Islamic Books House, Third Edition. [in Arabic]
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hoseyn. 1996. *Shia dar Islam (Shiite Islam)*, Qom: Islamic Publishing Office, Eighth Edition. [in Farsi]
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hoseyn. 2009. *Shia dar Islam (Shiite Islam)*, Qom: Book Garden, Fifth Edition. [in Farsi]
- Toreyhi, Fakh al-Din. 1996. *Majma al-Bahrayn (The Union of the Two Seas)*, Researched by Seyyed Ahmad Hoseyni, Tehran: Mortazawi Bookstore, Third Edition. [in Arabic]